دوفصلنامه علمی ـ تخصصی افق‌های نو در فقه سیاسی
سال چهاردهم/ شماره ۱۹/ بهار و تابستان ۱۴۰۵

Two quaterly scientific- specified political islamic jurisprudence association
year 14 No.19, Spring & Summer 2026

مسئله حجاب و مسئولیت حکومت اسلامی از منظر فقه امامیه

□علیرضا احمدی *

چکیده

در نوشتار حاضر مسئولیت حکومت اسلامی در مسئله حجاب ازنظر فقهی بررسی می‌شود. باتوجه به اهمیت مسئله حجاب در زندگی فردی و اجتماعی انسان و وجود دیدگاه‌های متفاوت در مورد مسئولیت و جایگاه حکومت اسلامی نسبت به آن، هدف از پژوهش حاضر تبیین جایگاه و مسئولیت حکومت اسلامی از دیدگاه فقه امامیه است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و با رویکردی فقهی و بهره‌گیری از ادله نقلی و عقلی این موضوع را بررسی کرده است. نتیجه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که براساس ادله نقلی و عقلی، حکومت اسلامی موظف به الزام و امر به حجاب و نهی و جلوگیری از بی‌حجابی و ترویج آن بنابر مراتب و شرایط امر به معروف و نهی از منکر است. همچنین باتوجه به اهمیت مسئله حجاب، حتی در فرض نبود احتمال تأثیر هم، اختیار حکومت در امر و نهی باقی است؛ زیرا فقدان شرط، وجوب را برمی‌دارد و استحباب آن باقی می‌ماند. افزون بر این، ترک امر به معروف و نهی از منکر، موجب ضعف عقاید مسلمین، اهانت به احکام و تأیید گناه خواهد بود.

کلید واژه‌ها: حکومت اسلامی، حجاب، مسئولیت، الزام حجاب، فقه امامیه، امر به معروف، نهی از منکر.

* دکتری فقه سیاسی جامعة المصطفیﷺ العالمیة (Ali.ali.ahmadi52074@gmail.com).

۱. مقدمه

حجاب یکی از واجبات و ضروریات مهم در دین مبین اسلام است که تأکید ویژه‌ای بر آن شده است. یکی از مسائل بحث‌برانگیز معاصر در مورد حجاب، چگونگی مواجهه حکومت اسلامی با این امر است. سؤال‌هایی که در این مورد مطرح می‌شود، این است که حکومت اسلامی چه مسئولیتی نسبت به مسئله حجاب دارد. آیا ازنظر فقهی، حکومت اسلامی می‌تواند حکم به الزام حجاب کند. درصورت مثبت بودن پاسخ، چگونه و با کدام دلایل فقهی می‌توان حکم به جواز یا وجوب الزام حکومتی حجاب نمود. حکومت اسلامی چگونه و با چه مبنایی باید نسبت به این مسئله اقدام کند. وظیفه حکومت اسلامی در مورد پدیده بی‌حجابی چیست. آیا با وجود قوانین حکومتی لازم‌الإجرا در مسئله حجاب و اقدام‌های فرهنگی و زمینه‌سازی برای ترویج فرهنگ حجاب توسط حکومت اسلامی درصورت عدم تأثیر می‌توان حکم به عدم مسئولیت حکومت اسلامی در این زمینه نمود و وظیفه حکومت اسلامی درصورت عدم احتمال تأثیر در مسئله حجاب چیست.

نوع پاسخ به این سؤال‌ها، نقش مهمی در رویکرد حکومت اسلامی نسبت به این مسئله دارد. بنابراین، باتوجه به اهمیت این موضوع و تأثیر عمیق آن در زندگی فردی و اجتماعی جامعه اسلامی، تبیین صحیح این مسئله از دیدگاه فقه ضروری به‌نظر می‌رسد. ازاین‌رو پژوهش‌های متعددی در زمینه مسئله حجاب و الزام حکومتی صورت گرفته است که نتایج برخی از آنها با دیگری متفاوت است. برخی ادله فقهی الزام حکومتی حجاب را ناکافی دانسته و برای ترویج فرهنگ حجاب در حکومت اسلامی، راه‌های فرهنگی و روش‌های کارشناسی‌شده غیر مستقیم را توصیه نموده‌اند (ر.ک.، ایازی، ۱۳۸۶) و برخی دیگر با نقد و بررسی ادله مخالفان الزام حکومتی حجاب، وجوب الزام حکومتی حجاب را اثبات کرده‌اند که هر یک با رویکردی خاص به این مسئله پرداخته‌اند. پژوهش حاضر برای دستیابی به پرسش‌های مطرح‌شده افزون بر پرداختن به ادله فقهی مسئولیت حکومت اسلامی در الزام حجاب به بررسی فقهی مراتب و شرایط مسئولیت حکومت اسلامی نسبت به مسئله حجاب و وظیفه آن در مواجهه با پدیده بدحجابی یا بی‌حجابی و مسائل موجود در مورد آن می‌پردازد.

۲. دلایل مسئولیت حکومت اسلامی در الزام حجاب

۲– ۱. دلایل نقلی

محور همه ادله موافقان الزام حکومتی حجاب، جواز و بلکه وجوب دخالت حکومت اسلامی در امور اجتماعی است (احمد راهدار، ۱۳۹۲)؛ زیرا حکومت اسلامی می‌تواند به‌طورمستقیم در امور اجتماعی دخالت کند و موضوع مورد بحث نیز الزام حجاب در سطح جامعه است. در منابع دینی یعنی، قرآن و روایات دلایلی وجود دارند که حکومت دینی را برای پاسداری از ارزش‌های دینی ملزم می‌کند و باتوجه به اینکه حجاب یکی از ارزش‌های مسلم و مورد تأکید دینی است شامل این الزام می‌شود.

۲ – ۱ – ۱. قرآن کریم

الَّذینَ إِنْ مَکَّنَّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّکاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ وَ لِلَّهِ عاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ آنان که اگر در زمین قدرتشان دهیم، نماز را برپای دارند، زکات دهند و به نیکی فرمایند و از بدی بازدارند و سرانجام همه امور برای خداست». (حج: ٤١)

براساس این آیه شریفه، امر به معروف و نهی از منکر به‌دلیل قدرت و تمکن به‌طور ویژه بر حاکمان اختصاص می‌یابد. به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت علاوه‌بر اطلاق ادله امر به معروف و نهی از منکر و وجوب آن بر همه امت اسلامی، این تکلیف در مورد حاکمان به‌دلیل تمکن آنها اهمیت بیشتری دارد و امر به حجاب اسلامی، مصداق بارزی از امر به معروف و نهی از بی‌حجابی، نهی از منکر است. بنابراین، این آیه به‌دلالت تطابقی یا تضمنی، حکم به وجوب بر حکومت اسلامی نسبت به امر به حجاب دارد. حکومت اسلامی، قانون‌گذار و مجری احکام و حدود و تعزیرات اسلامی می‌تواند از راه الزام قانونی حجاب و قراردادن ضمانت اجرای مناسب با این قانون، به‌طورویژه موجب نهادینه شدن این فریضه الهی و گسترش آن و جلوگیری از بی‌حجابی در جامعه اسلامی شود.

۲– ۱ – ۲ . روایات

رسول اکرمﷺ هنگام فرستادن معاذ بن جبل به یمن به وی فرمود:

یا مُعَاذُ عَلِّمْهُمْ کِتَابَ اللَّهِ- وَ أَحْسِنْ أَدَبَهُمْ عَلَى الْأَخْلَاقِ الصَّالِحَةِ وَ أَظْهِرْ أَمْرَ الْإِسْلَامِ کُلَّهُ صَغِیرَهِ وَ کَبِیرَه؛ ای معاذ! کتاب خدا را به ایشان بیاموز و آنان را با اخلاق نیکو تربیت کن و همه دستورات اسلام از کوچک و بزرگ را در جامعه زنده و آشکار کن» (مجلسی، بی‌تا، ۱۲۹/۷۴؛ حرانی، ۱٤۰٤، ص۲۵).

در این روایت، رسول اکرمﷺ درصدد بیان وظایف حاکم اسلامی بوده‌اند. بنابراین، باتوجه به جمله: «**أَظْهِرْ أَمْرَ الْإِسْلَامِ**» که مانند دیگر افعال با صیغه امر بیان شده و ازآنجاکه صیغه امر دلالت بر وجوب دارد و با عبارت: «**کُلَّهُ صَغِیرَهِ وَ کَبِیرَه**» بر آن تأکید شده است بر حاکم اسلامی واجب است که همه ارزش‌های اسلامی که یکی از مهم‌ترین آنها حجاب است را ظاهر و آشکار کند. براین‌اساس این روایت به‌دلالت تضمنی بر وجوب الزام حکومت اسلامی بر مسئله حجاب دلالت دارد.

امام علیؑ در نهج‌البلاغه در بیان وظایف و رسالت‌های حاکم اسلامی، زنده نگه‌داشتن سنت اسلامی و عدم تعطیلی آن را از وظایف حاکم اسلامی می‌داند:

إِنَّهُ لَیسَ عَلَى الْإِمَامِ إِلَّا مَا حُمِّلَ مِنْ أَمْرِ رَبِّهِ الْإِبْلَاغُ فِی الْمَوْعِظَةِ وَ الِاجْتِهَادُ فِی النَّصِیحَةِ وَ الْإِحْیاءُ لِلسُّنَّةِ وَ إِقَامَةُ الْحُدُودِ عَلَى مُسْتَحِقِّیهَا؛ همانا بر امام واجب نیست جز آنچه را که خدا امر فرماید و آن، کوتاهی نکردن در پند و نصیحت، تلاش در خیرخواهی، زنده نگه‌داشتن سنت پیامبرﷺ و جاری ساختن حدود الهی بر مجرمان است (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۵) (محمد دشتی، ۱۳۷۹).

قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّهُ لَا ینْبَغِی أَنْ یکُونَ الْوَالِی عَلَى الْفُرُوجِ وَ الدِّمَاءِ وَ الْمَغَانِمِ وَ الْأَحْکَامِ وَ إِمَامَةِ الْمُسْلِمِینَ الْبَخِیلُ وَ لَا الْمُعَطِّلُ لِلسُّنَّةِ فَیهْلِكَ الْأُمَّة؛ همانا شما دانستید که سزاوار نیست بخیل بر ناموس و جان و غنیمت‌ها و احکام مسلمین، ولایت و رهبری یابد و امامت مسلمین را عهده‌دار شود و آن کس که سنت پیامبرﷺ را ضایع می‌کند لیاقت رهبری ندارد؛ زیرا که امت اسلامی را به‌هلاکت می‌کشاند (نهج‌البلاغه، خطبه۱۳۱ محمد دشتی، ۱۳۷۹).

آنچه مسلم است رعایت حجاب اسلامی از مصادیق سنت الهی و رعایت نکردن آن باعث تعطیلی دستور الهی و هلاکت امت اسلامی است. بنابراین، وجوب زنده نگه‌داشتن سنن الهی به‌دلالت تضمنی بر وجوب الزام حکومت اسلامی به حجاب دلالت دارد.

امام رضاؑ فلسفه جعل اولی‌الامر در دین را به دفع فساد از جامعه می‌داند و می‌فرماید:

فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ وَ لِمَ جَعَلَ أُولِي الْأَمْرِ وَ أَمَرَ بِطَاعَتِهِمْ قِيلَ لِعِلَلٍ كَثِيرَةٍ مِنْهَا أَنَّ الْخَلْقَ لَمَّا وَقَفُوا عَلَى حَدٍّ مَحْدُودٍ وَ أُمِرُوا أَنْ لَا يَتَعَدَّوْا ذَلِكَ الْحَدَّ لِمَا فِيهِ مِنْ فَسَادِهِمْ لَمْ يَكُنْ يَثْبُتُ ذَلِكَ وَ لَا يَقُومُ إِلَّا بِأَنْ يَجْعَلَ عَلَيْهِمْ فِيهِ أَمِيناً يَمْنَعُهُمْ مِنَ التَّعَدِّي وَ الدُّخُولِ فِيمَا حُظِرَ عَلَيْهِمْ لِأَنَّهُ لَوْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ لَكَانَ أَحَدٌ لَا يَتْرُكُ لَذَّتَهُ وَ مَنْفَعَتَهُ لِفَسَادِ غَيْرِهِ فَجَعَلَ عَلَيْهِمْ قَيِّماً يَمْنَعُهُمْ مِنَ الْفَسَادِ وَ يُقِيمُ فِيهِمُ الْحُدُودَ وَ الْأَحْكَامَ ... وَ مِنْهَا أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ إِمَاماً قَيِّماً أَمِيناً حَافِظاً مُسْتَوْدَعاً لَدَرَسَتِ الْمِلَّةُ وَ ذَهَبَ الدِّينُ وَ غُيِّرَتِ السُّنَنُ وَ الْأَحْكَامُ وَ لَزَادَ فِيهِ الْمُبْتَدِعُونَ وَ نَقَصَ مِنْهُ الْمُلْحِدُونَ وَ شَبَّهُوا ذَلِكَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ لِأَنَّا وَجَدْنَا الْخَلْقَ مَنْقُوصِينَ مُحْتَاجِينَ غَيْرَ كَامِلِينَ مَعَ اخْتِلَافِهِمْ وَ اخْتِلَافِ أَهْوَائِهِمْ وَ تَشَتُّتِ أَنْحَائِهِمْ؛ اگر کسی بگوید: چرا اولی‌الامر قرار داده شد و به اطاعت از او امر شد، گفته شود به‌دلایل زیادی. یکی اینکه ازآنجاکه برای مردم حد معینی تعیین شده است و امر شده‌اند که از آن تعدی نکنند تا به فساد دچار نشوند، این امر محقق نمی‌شود مگر اینکه امینی برای آنان قرار داده شود تا آنان را از تعدی و دست زدن به فعل حرام بازدارد؛ زیرا اگر چنین نبود هر کس می‌توانست از منفعت و لذت خود حتی در موردی که از ناحیه آن، فسادی متوجه دیگران شود از آن دست برندارد، پس خدا برای آنان قیمی قرار داد تا آنان را از فساد باز دارد و حدود و احکام را بین آنان برپا دارد. دیگر اینکه اگر امام را قیم، امین، نگهبان و نگه‌دار قرار نداده بود دین نابود می‌شد و احکام و ایمان تغییر می‌کرد و این مایه فساد همه مردم می‌شد و سنت‌ها و احکام تغییر می‌کرد و بدعت‌گذاران بر آن می‌افزودند و بی‌دینان از آن می‌کاستند و حقیقت بر مسلمانان مشتبه می‌گردید؛ زیرا ما مردم را در این زمینه ناقص و نیازمند می‌یابیم و خواسته‌هایشان مختلف و گرایش‌هایشان پراکنده است. (شیخ صدوق، بی‌تا، ۲۵۳/۱؛ شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ۱۰۰/۲)

براساس این روایت، حاکم اسلامی مسئول دفع فساد و اجرای احکام اسلامی است و یکی از لوازم دفع مفسده از جامعه و اجرای احکام اسلامی، زنده نگه‌داشتن فریضه حجاب توسط حکومت اسلامی است. بنابراین، این روایت به‌دلالت التزامی به وجوب الزام حکومتی حجاب دلالت دارد و براساس روایت، اگر حکومت اسلامی در امر حجاب دخالت نکند بدعت‌گذاران بر آن می‌افزایند و بی‌دینان از آن می‌کاهند. براساس شواهد و دلایل نقلی که بیان شد و همچنین براساس نظریه ولایت فقیه که فقیه جامع‌الشرایط، همان ولایت اولی‌الامر را دارد (ر.ك.، خمینی، ۱۳۹٤، ص۵۱) بنابراین، می‌تواند در امور اجتماعی باتوجه به مصالح و منافع جامعه به چیزی فرمان دهد یا از انجام کاری جلوگیری کند و بدون شك، حجاب یکی از واجبات مسلم و قطعی دین مبین اسلام از واجبات اجتماعی نیز هست که وجود یا عدم آن، آثار اجتماعی متفاوت و دگرگونی را به‌دنبال دارد. ازاین‌رو امر و نهی نسبت به آن در قلمرو و حیطه اختیارات فقیه حاکم است.

۲– ۲ . دلایل عقلی

افزون بر دلایل نقلی، قرینه‌های عقلی - عرفی نیز بر لزوم دخالت حکومت اسلامی در اجرای احکام اسلامی از جمله حکم حجاب وجود دارد که همه این دلایل به اهداف تشکیل حکومت اسلامی بنابر حکم عقل بازمی‌گردد.

۲ – ۲ – ۱ . اجرای احکام اسلامی

آنچه مسلم است هدف از تشکیل حکومت اسلامی، اجرای احکام اسلامی و قلمروی حکومت اسلامی، همان قلمروی احکام و شریعت اسلامی است. بنابراین، وظیفه اصلی و اساسی حکومت اسلامی، اجرای احکام و فرامین الهی در میان بندگان خداوند است. ازاین‌رو الزامات حکومت اسلامی به‌مقتضای احکام الهی است و خواسته‌های مردم از حاکمان اسلامی، هنگامی مشروعیت دارند که همسو با اوامر و نواهی خداوند باشند. اگر این خواسته‌ها همسو با حکم الهی نباشند، ضلالت و گمراهی است و حاکم اسلامی نباید از آنها پیروی کند؛ زیرا حضرت علی‌علیه‌السلام در عهدنامه‌اش به مالک اشتر نخعی، وظیفه والی بلاد اسلامی را تبعیت از

فرایض الهی و آن را مایه سعادت افراد و شقاوت و تیره‌بختی مردم را در انکار و تبعیت نکردن از فرامین الهی دانسته است. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) بنابراین، حاکم اسلامی هرگز نمی‌تواند نسبت به واجبات و محرمات الهی از جمله وجوب حجاب و پوشش اسلامی بی‌تفاوت باشد؛ زیرا پوشش اسلامی بر هر مرد و زن مسلمان واجب و ترک آن حرام است. براین‌اساس، حاکم اسلامی می‌تواند جامعه مسلمان را به رعایت حجاب اسلامی دعوت و الزام نماید. جامعه‌ای که حکومت دینی را بر حکومت غیردینی ترجیح داده است انتظاری جز این ندارد که حکومت منتخب برمبنای شریعت الهی و عرف متشرعه رفتار کند (مهدوی‌زادگان، ۱۳۸٦).

۲ – ۲ – ۲ . حفظ امنیت

اصلی‌ترین وظیفه حکومت، برقراری و حفظ امنیت است و امنیت حداقل چیزی است که مردم از حکومت خواستارند. هر حکومتی برمبنای تعریفی که از امنیت دارد، قلمروی آن را تعیین و به وظیفه امنیتی خود عمل می‌کند؛ زیرا امنیت، مقوله‌ای باز و گسترده است. هرجا تعلق خاطر و حریمی در کار باشد موضوع امنیت به مسئله جدی تبدیل می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، نگرانی از فقدان چیزی که انسان به آن تعلق خاطر دارد مسئله امنیت را جدی می‌کند، پس اگر فقدان چیزی برای انسان مهم نباشد، احساس ناامنی نیز برای او پیش نمی‌آید. عرض و ناموس در آموزه‌های دینی همانند جان و مال افراد اهمیت دارد و بلکه اهمیت آن بیشتر است. امر به غض بصر و حفظ فروج در قرآن کریم (نور: ۳۰) دلالت بر حرمت عرض و ناموس زنان و مردان مؤمن دارد. فریضه حجاب در اسلام نیز بر این نکته دلالت دارد که عرض و ناموس جزئی از حریم شخصیتی است و زنان و مردان دیندار همان‌گونه که برای جان و مال خود حریمی قائلند و همواره نگران تجاوز به این حریم هستند برای عرض و آبروی خود نیز حریمی قائلند. بنابراین، عرض و ناموس جزئی از حریم شخصیتی انسان تلقی می‌شود و هرگونه تعرض به آن تجاوز به حریم شخصیتی است.

در آموزه‌های اسلامی، عرض و آبروی زنان و مردان محترم است. ازاین‌رو، حکومت اسلامی که کارگزار شریعت اسلامی است برخلاف حکومت‌های سکولار هرگز نمی‌تواند نسبت به حراست و امنیت این جنبه از حریم شخصی مسلمانان بی‌تفاوت بماند. این وظیفه

حکومتی معطوف به حجاب اسلامی است؛ زیرا حجاب اسلامی سپر و حافظ تعرض سوء به زن مسلمان است و حاکم اسلامی هم از تعرض به این واجب شرعی (حجاب اسلامی) حراست می‌کند؛ یعنی شرایط امنیتی حفظ پوشش و حجاب اسلامی را فراهم می‌کند، پس وظیفه اولی در حراست از حریم شخصی با خود زن مسلمان است. او با رعایت حجاب اسلامی از حریم شخصیت دینی خود حراست می‌کند و در رتبه بعد، حکومت موظف به حراست و برقراری امنیت برای حجاب اسلامی است. وظیفه حکومت اسلامی از باب مقدمه واجب است؛ زیرا تأمین شرایط برای تمکن زنان مسلمان از رعایت حجاب اسلامی، جنبه مقدمیت دارد و از این باب بر حکومت اسلامی تکلیف می‌شود.

اگر زن مسلمانی مایل به رعایت حجاب اسلامی نباشد، حاکم اسلامی از هر دو جنبه مقدمیت و ذی‌المقدمه بودن می‌تواند او را به رعایت حجاب اسلامی ملزم کند؛ زیرا ازسویی، عدم رعایت حجاب اسلامی، اسباب ناامنی برای خود وی خواهد شد و ازسوی‌دیگر، عدم رعایت حجاب اسلامی زمینه سوء برای سایر زنان مسلمان محجبه خواهد شد؛ زیرا با رواج این امر ازسوی زنانی که به این ساحت شخصیتی خود اهمیت نمی‌دهند زمینه عادی شدن تعرض و هتک حرمت به زنان عفیف و محجب فراهم می‌شود و افراد شرور مزاحم در چنین وضعیتی، فرق زیادی میان زنان با حجاب و بی‌حجاب نمی‌گذارند. پس از باب رفع این وضعیت و تأمین شرایط امن برای زن مسلمان، الزام زنان غیرمقید به رعایت حجاب اسلامی ضرورت دارد. این مسئله از راه قاعده فقهی لاضرر و لاضرار نیز قابل توجیه است. (ر.ک.، مهدوی‌زادگان، ۱۳۸٦)

۲ – ۲ – ۳. سعادت دنیوی و اخروی

آنچه موجب تمایز جوهری میان حکومت دینی و غیردینی می‌شود توجه به سعادت اخروی است. اگر در سعادت اخروی میان حکومت دینی و حکومت سکولار تمایزی نباشد اختلاف ذاتی با یکدیگر نخواهند داشت بلکه میان آن دو تمایز عرضی و غیرجوهری برقرار می‌گردد و تمایزی که به جوهر و ذات چیزها بازنگردد صوری و قشری خواهد بود. براین‌اساس، حکومت دینی سکولار به‌شدت قشری، صوری و ریاکار خواهد بود؛ یعنی همواره سعی دارد نما و نمادی

از مناسک دینی را به‌همراه خود داشته باشد تا وجه تمایزی میان خود و حکومت غیردینی باشد، اما حکومت دینی که تمایز ذاتی و جوهری با حکومت‌های غیردینی دارد هرگز به‌سوی کنش‌های قشری و صوری رو نمی‌آورد. ازاین‌رو، هرچه تمایز ذاتی حکومت دینی با حکومت سکولار بیشتر و شدیدتر باشد درجه عدم ریاکاری آن شدیدتر است. چنان‌که در ولایت حضرت وصی علیه‌السلام هیچ‌گونه شائبه ریاکاری و قشری‌گری وجود ندارد.

افزون بر این، به قیاس اولویت می‌توان گفت که اگر الزام حکومتی برای تأمین سعادت دنیوی می‌تواند مشروع باشد، برای تأمین سعادت اخروی به‌طریق اولی چنین ظرفیتی را دارد؛ زیرا سعادت اخروی مهم‌تر از سعادت دنیوی است: «**مَتاعُ الدُّنْيا قَليلٌ وَ الآخِرَةُ خَيرٌ لِمَنِ اتَّقى**» (نساء: ۷۷). روایات مختلفی نیز وجود دارند که دلالت بر لزوم تأمین سعادت اخروی ازسوی امام مسلمین دارند. برای نمونه امام رضا علیه‌السلام امامت را اساس صلاح دنیا و آخرت مسلمین معرفی کرده است: «**إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ صَلَاحُ الدُّنْيَا وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ الْإِمَامَةَ أُسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي**» «همانا امامت زمام دین و مایه نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است» (کلینی، ۱۳۶۲، ۱/۲۰۰).

در قرآن کریم، مصادیق و جلوه‌های سعادت انسان و جامعه بیان شده و یکی از آنها التزام زنان مؤمن به پوشش اسلامی است. چنان‌که چنین التزامی را موجب پاکیزه شدن نفس: «**ذلِكَ أَزْكى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِما يصْنَعُون**» (نور: ۳۰)، فلاح و رستگاری مسلمانان: «**لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ**» (نور: ۳۱) و خیر و سعادت: «**وَ الْقَواعِدُ مِنَ النِّساءِ اللاَّتي لا يرْجُونَ نِكاحاً فَلَيسَ عَلَيهِنَّ جُناحٌ أَنْ يضَعْنَ ثِيابَهُنَّ غَيرَ مُتَبَرِّجاتٍ بِزِينَةٍ وَ أَنْ يسْتَعْفِفْنَ خَيرٌ لَهُنَّ**» (نور: ۶۰) می‌داند. بنابراین، ضد حجاب و پوشش اسلامی یعنی، بی‌حجابی، مفسد این خیر، فلاح و صلاح است. بی‌حجابی، جامعه و زن مسلمان را از خیر، صلاح و رستگاری دور می‌کند و به ورطه نیستی و محرومیت سوق می‌دهد. هر یک از جوامع بشری در طول تاریخ حیات خود به شکل‌های مختلف، فتنه‌انگیزی و فسادگری پدیده بی‌حجابی و بدحجابی را تجربه کرده و کم و بیش، حقانیت توصیه ادیان ابراهیمی را درک کرده است. وضوح این تجربه به‌حدی است که جایی برای پرسش از حقانیت توصیه‌های قرآنی و سایر کتب آسمانی مبنی بر مفسده‌انگیزی

بی‌حجابی باقی نمی‌گذارد. به‌ویژه دنیای مدرن سوداگری که فقط در فکر انباشت ثروت و قدرت و ترویج فرهنگ اباحه‌گری و اصالت لذت است به‌طورکامل با کارکردها و آثار تخریبی و انحرافی بی‌حجابی و بدحجابی آشناست. رواج فرهنگ برهنگی برنده‌ترین تیغ در دست هر فرد یا گروه مفسده‌جو است. هرگز کسی یافت نمی‌شود که باوجود ندای وجدانی خود، منکر جنبه‌های مختلف مفسده‌انگیزی بی‌حجابی باشد و هیچ انسان اخلاق‌گرایی، فتنه‌انگیزی و فسادآوری بی‌حجابی را انکار نمی‌کند (مهدوی‌زادگان، ۱۳۸٦).

بنابراین، سعادت و خیر بودن حجاب به‌نوعی فلسفه حجاب است؛ هر چه که خیر است، امری از سنخِ وجود است؛ چراکه وجود خیر محض است. پس، رواج حجاب در هر جامعه تداوم‌بخش و گرمی‌بخش آن جامعه است؛ زیرا حجاب، فرد و جامعه را از لبه پرتگاه تباهی و انحطاط، از افتادن در گردونه نیستی دور می‌کند و نجات می‌دهد. در جامعه‌ای که حجاب فضیلت باشد و بی‌حجابی رذیلت، آن جامعه می‌تواند به رحمت الهی و حیات معنوی خود امیدوار باشد، اما اگر جامعه‌ای برعکس آن باشد و بی‌حجابی در آن فضیلت شمرده شود، بی‌تردید نباید به تداوم حیات معقول و مشروع خود امیدوار باشد. اگر چنین مفسده‌ای در جامعه ریشه دوانیده باشد، گمان نمی‌رود که برای اصلاح آن جامعه ازسوی مردان خدا کاری برآید بلکه باید همچون لوط پیامبر علیه‌السلام در انتظار فرج الهی و فرشتگان عذاب الهی بود. (مهدوی‌زادگان، ۱۳۸٦) باتوجه به اهمیت موضوع حجاب و آثار آن، می‌توان نتیجه گرفت که الزام حکومتی حجاب، هم سعادت دنیوی و هم سعادت اخروی افراد جامعه را دربردارد و حکومت اسلامی که مسئول تأمین سعادت دنیوی و اخروی است باید به فریضه حجاب توجه ویژه داشته باشد و در ترویج آن بکوشد.

۳ . مراتب مسئولیت حکومت اسلامی در مسئله حجاب

مهم‌ترین دلیل الزام حجاب در حکومت اسلامی امر به معروف و نهی از منکر است که سه مرحله انکار قلبی، تذکر زبانی و استفاده از قدرت برای آن شمرده شده است. این نشان می‌دهد در اسلام، استفاده از الزام در حکم شرعی درصورت شرایط و حفظ حدود، جایز است. نکته مهم این است که عموم فقها استفاده از قدرت را مختص به حکومت دانسته‌اند. این نکته نشان

می‌دهد استفاده از قدرت در امر به معروف و نهی از منکر از وظایف حکومت است. ازسوی‌دیگر، موضوع امر به معروف و نهی از منکر عام است که شامل تمام وظایف شرعی ازجمله حجاب می‌شود. (صالحی‌منش، ۱۳۹۷)

اصل در امر به معروف و نهی از منکر این است که تا مرتبه ضعیف‌تر آن ممکن باشد به مرتبه شدیدتر اقدام نشود. این مراتب عبارتند از: قلبی، زبانی و عملی. امر و نهی قلبی آن است که خشنودی خود را از معروف و ناخشنودی خود را از منکر بیان کند به‌گونه‌ای‌که شخص را به معروف وادار کند و از منکر باز دارد. معنای امر و نهی زبانی و عملی نیز روشن است. برای حکومت هر سه مرتبه مطرح می‌شود: در مرتبه امر و نهی قلبی، سیاست‌گذاری‌ها و قوانین حکومت باید به‌گونه‌ای باشد که شخص مطیع و متخلف مانند باحجاب و بی‌حجاب، رضایت‌مندی و بیزاری حکومت را نسبت به رفتار خود مانند پوشش احساس کنند و این معجزه امر و نهی قلبی است که باید در ترویج همه مظاهر اسلامی به‌کار گرفته شود. امر و نهی زبانی، پس از قلبی است. اگر امر و نهی قلبی حکومت و مردم به‌سوی بی‌حجابی باشد، امر و نهی زبانی هرچند به‌حق باشد نوعی تحمیل است و از این سنگین‌تر، امر و نهی عملی، بدون رعایت مراتب قبلی آن است. (علی‌اکبریان، ۱۳۸٦) مقتضای عموم ادله نهی از منکر این است که مرتبه عملی نهی از منکر هم واجب است، ولی عمل به آن از وظایف و اختیارات دولت است که یا خود به آن اقدام کند یا به دیگران اجازه اقدام دهد (حلی، ۱٤۲۰، ۲٤۱/۲). برمبنای اینکه هر گناهی حد و تعزیر دارد و تعزیر هم به‌دست حاکم و حکومت اسلامی است، مخالفت عملی با حجاب اسلامی نیز از مصداق‌های این امر بوده و حاکم می‌تواند دخالت کند (مرتضوی، ۱۳۸٦). بنابراین در مسئله حجاب، هرگاه مراحل قبلی اثر نداشت حکومت دینی وظیفه دارد برای متخلف مجازات تعیین کرده و با قرار دادن ضمانت اجرای مؤثر و قوی، مانع تکرار گناه شود که حکومت یا خود نسبت به این مسئولیت اقدام می‌کند یا به دیگران اجازه اقدام می‌دهد (فلاح، ۱۳۹۳).

۴ . شرایط مسئولیت حکومت اسلامی در مسئله حجاب

به‌نظر می‌رسد شرایط مسئولیت حکومت اسلامی در مورد حجاب، همان شرایط امر به معروف

و نهی از منکر باشد. به‌طورکلی، شرایط وجوب امر و نهی عبارت است از: آگاهی از معروف و منکر، احتمال تأثیر، اصرار شخص گناه‌کار بر استمرار گناه و ضرر نداشتن.

۴- ۱. آگاهی از معروف و منکر

مراد از شرط آگاهی آن است که معروف و منکر را بشناسد و بداند که معروف، ترک و منکر انجام شده است. در وجوب شناخت معروف و منکر بر حکومت سخنی نیست؛ زیرا بنابر نظریه ولایت فقیه، حاکم اسلامی باید فقیه باشد و همه نیروهای اجرایی حکومت نیز باید توانایی اجرای احکام اسلام را داشته باشند. در علم به ترک معروف و ارتکاب منکر، مسئله مهم آن است که حکومت، حق تجسس در محدوده شخصی مردم را ندارد. (علی‌اکبریان، ۱۳۸٦)

۴- ۱ - ۱. احتمال تأثیر

در اشتراط احتمال تأثیر در وجوب امر و نهی دو قول متصور است: مشهور فقها، احتمال تأثیر را شرط وجوب امر و نهی گرفته‌اند به‌گونه‌ای‌که اگر یقین و بلکه ظن به بی‌تأثیر بودن داشته باشد، تکلیف بر او ثابت نمی‌شود. (شهید ثانی، ۱٤۱۳، ۱۰۲/۳) در مقابل قول اول، سه احتمال دیگر مطرح می‌شود که هر یک از آنها توجیهی را برای مسئولیت امر و نهی، حتی در فرض نبود احتمال تأثیر ارائه می‌دهند:

- احتمال تأثیر، شرط ضعیف‌ترین مرتبه امر و نهی است؛ یعنی اگر بداند مرتبه ضعیف‌تر تأثیر ندارد باید به مرتبه بعدی اقدام کند و لازم نیست مرتبه ضعیف‌تر را انجام دهد. اگر مراد از شرط یادشده این احتمال باشد، نبود احتمال تأثیر، سبب سقوط کامل تکلیف نمی‌شود.

- شرطیت این شرط، برای وجوب امر و نهی انکار شود؛ یعنی، به‌قرینه مناسبت حکم و موضوع، وظیفه امر و نهی ساقط‌شدنی نیست. برای مثال در نهی از بی‌حجابی اگر احتمال تأثیر داده نشود، باید موانع تأثیر را برداشت و زمینه پذیرش را ایجاد کرد؛ یعنی هرگز نباید در برابر گناه کوتاه آمد. به‌عبارت‌دیگر، احتمال تأثیر، شرط واجب است نه شرط وجوب. اختلاف این دو آن است که مکلف در برابر شرط وجوب مسئولیتی ندارد و مسئولیت او پس از حصول شرط وجوب آغاز می‌شود، ولی در برابر شرط واجب، مسئول است و باید برای مقدمه، آن را محقق کند مانند شرط طهارت برای نماز که شرط واجب است نه وجوب و مکلف باید آن را به‌جا آورد.

– مقصود از این شرط آن است که امر و نهی، حتی با رفع موانع تأثیر و زمینه‌سازی، مؤثر نباشد. در چنین فرضی، وجوب امر و نهی بیهوده خواهد بود، پس احتمال تأثیر، شرط وجوب می‌شود. این احتمال اگرچه به‌خودی‌خود توجیه خوبی برای سخن فقهاست، ولی فقها چنین برداشتی از این شرط ندارند؛ زیرا حتی اگر قول اول پذیرفته شود هنوز در فرض نبود احتمال تأثیر، اختیارات حکومت در امر و نهی باقی است؛ زیرا نبود این شرط فقط وجوب را برمی‌دارد و جواز، بلکه استحباب آن هم‌چنان باقی است. همچنین مصالحی وجود دارد که سبب تأکید این استحباب (و بلکه وجوب) امر و نهی در فرض نبود احتمال تأثیر می‌شود: یکی اینکه اگر امر و نهی درباره یک گناه به‌مدت طولانی ترک شود، آرام آرام، قبح آن گناه شکسته می‌شود و مردم، منکر را معروف می‌بینند. نکته مهم‌تر این است که اگر آن کس که امر و نهی را ترک می‌کند عالم دینی شاخص و یا حکومت اسلامی باشد سکوت او موجب ضعف عقاید مسلمین، وهن علمای دین، اهانت به احکام و تأیید گناه خواهد بود (ر.ک.، منتظری، ۱٤۰۹، ۲٤۷/۲) و مردم در یک تضاد میان ادعا و عمل به حکومت اسلامی بدبین می‌شوند. گذشته از آنکه امر و نهی در چنین فرضی، اتمام حجت بر گنه‌کار است و اتمام حجت، نوعی لطف است. همچنین، گاه یک بار امر و نهی اثر ندارد، ولی تکرار آن ثمربخش است و مهم‌ترین ثمره امر و نهی ازسوی حکومت در چنین فرضی، عذر نزد پروردگار است. البته این درصورتی است که مفسده مهم‌تری بر امر و نهی مترتب نشود (علی‌اکبریان، ۱۳۸٦).

خداوند درباره قوم بنی اسرائیل که از ماهی‌گیری روز شنبه ممنوع شده بودند، می‌فرماید:

وَ سْئَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيةِ الَّتی كانَتْ حاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يعْدُونَ فِی السَّبْتِ إِذْ تَأْتيهِمْ حيتانُهُمْ يوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعاً وَ يوْمَ لا يسْبِتُونَ لا تَأْتيهِمْ كَذلِكَ نَبْلُوهُمْ بِما كانُوا يفْسُقُونَ* وَ إِذْ قالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْماً اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذاباً شَديداً قالُوا مَعْذِرَةً إِلى رَبِّكُمْ وَ لَعَلَّهُمْ يتَّقُونَ؛ و از آنها درباره شهری که در ساحل دریا بود، بپرس. زمانی‌که آنها در روزهای شنبه نافرمانی می‌کردند، همان هنگام که ماهیانشان روز شنبه آشکار می‌شدند، ولی در غیر شنبه به‌سراغ آنها نمی‌آمدند. بدین ترتیب، آنها را به چیزی آزمایش کردیم که نافرمانی می‌کردند. (به یاد آر) هنگامی را که گروهی از آنها گفتند: چرا جمعی را انذار می‌دهید که سرانجام خدا آنها را هلاک

خواهد کرد یا به عذاب شدیدی گرفتار خواهد ساخت. گفتند: برای اعتذار در پیشگاه پروردگار شماست. به‌علاوه شاید آنان تقوا پیشه کنند. (اعراف: ۱۶۳-۱۶۴)

۴-۱-۲. نداشتن ضرر و مفسده

یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر، نداشتن ضرر یا مفسده است. مرحوم نجفی در این‌باره می‌نویسد: «فلو علم أو ظن توجه الضرر إليه أو إلى ماله أو إلى عرضه أو إلى أحد من المسلمين فی الحال أو المال سقط الوجوب بلا خلاف أجده فيه كما اعترف به بعضهم، لنفی الضرر و الضرار و الحرج فی الدين، و سهولة الملة و سماحتها، و إرادة اللّه اليسر دون العسر؛ اگر علم پیدا کند یا گمان داشته باشد که امر و نهی برای جان، مال یا آبروی خود یا یکی از مسلمین در حال یا آینده زیان داشته باشد وجوب آن ساقط می‌شود. در این مسئله آن‌گونه که برخی نیز اعتراف دارند خلافی را نیافتم و دلیل آن، نفی ضرر و ضرار و حرج و نیز سهولت و آسانی دین است و اینکه خدا آسانی را می‌خواهد نه سختی را». (نجفی، ١٤٠٤، ٣٧١/٢١)

بسیاری از فقها به‌جای تعبیر ضرر نداشتن از تعبیر مفسده نداشتن استفاده کرده‌اند. (منتظری، ١٤٠٩، ٢٥٠/٢) این تعبیر از جهتی اعم از ضرر است؛ زیرا مفسده‌ای که از سنخ ضرر جانی و مالی و عرضی نباشد را نیز شامل می‌شود. تعبیر فقها در اینجا ظن به ضرر یا مفسده است و نیازی به حصول علم به آن نیست. آنچه در اینجا نسبت به این شرط اهمیت دارد این است که ملاک در سقوط تکلیف امر و نهی یا تحمل ضرر و مفسده و انجام امر و نهی، رعایت مرجحات باب تزاحم است. درواقع در چنین مواردی میان دو مصلحت یا دو حکم تزاحم شده است و حکومت اسلامی باید در چنین تزاحماتی جانب مهم‌ترین و بیش‌ترین احکام را رعایت کند و این در شرایط مختلف متفاوت است. متأسفانه بسیاری از مفاسدی که بر امر و نهی مترتب می‌شود ناشی از بدسلیقگی و بی‌هنری آمر و ناهی است نه از اصل امر و نهی. ازاین‌رو حکومت اسلامی باید با کارشناسی و مصلحت‌سنجی دقیق این کار را انجام دهد (علی‌اکبریان، ١٣٨٦).

نتیجه

- ادله نقلی و عقلی، دلالت بر مسئولیت حکومت اسلامی نسبت به حفظ و اشاعه ارزش‌های

اسلامی دارد. ازاین‌رو، حکومت اسلامی نسبت به انجام فریضه حجاب و ترویج آن در جامعه مسئولیت دارد و مهم‌ترین دلیل در الزام حکومتی حجاب، امر به معروف و نهی از منکر است. بنابراین، حکومت اسلامی، مجری احکام اسلامی و مسئول حفظ امنیت و تأمین سعادت دنیوی و اخروی جامعه بوده و وظیفه دارد جامعه اسلامی را به رعایت حجاب اسلامی دعوت و الزام کند و در زمینه‌سازی و ترویج آن بکوشد. این وظیفه از باب مقدمه واجب است؛ زیرا تأمین شرایط برای تمکن زنان مسلمان از رعایت حجاب اسلامی جنبه مقدمیت دارد.

– وجود پدیده بی‌حجابی یا بدحجابی ازسویی موجب ایجاد ناامنی برای افراد بی‌حجاب می‌شود و ازسوی‌دیگر موجب ترویج بی‌حجابی و ایجاد زمینه‌ها و پیامدهای سوء برای سایر زنان خواهد بود. براین‌اساس، حاکم اسلامی از جنبه مقدمیت و همچنین ذی‌المقدمه بودن، می‌تواند زنان غیر مقید به رعایت حجاب را ملزم به رعایت حجاب اسلامی نماید.

حکومت اسلامی باید در مسئله الزام حجاب بنابر مراتب و شرایط امر به معروف و نهی از منکر اقدام کند. بنابراین، اگر مراحل ابتدایی آن اثر نداشته باشد حکومت اسلامی وظیفه دارد برای متخلفان مجازات تعیین کرده و مانع تکرار و ترویج گناه شود.

– در فرض نبود احتمال تأثیر، یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر، اختیارات حکومت در امر و نهی باقی است؛ زیرا فقدان این شرط فقط وجوب را برمی‌دارد و جواز بلکه استحباب آن همچنان باقی است و وجود مصالحی مانند اینکه ترك امر و نهی موجب شکسته شدن قبح گناه و جابه‌جایی منکر و معروف می‌شود سبب تأکید این استحباب (و بلکه وجوب) امر و نهی در فرض نبود احتمال تأثیر می‌شود. افزون بر این، ترک امر به معروف و نهی از منکر توسط حکومت اسلامی موجب ضعف عقاید مسلمین، وهن علمای دین، اهانت به احکام و تأیید گناه خواهد بود و مردم در یک تضاد میان ادعا و عمل به حکومت اسلامی بدبین می‌شوند. گذشته از اینکه امر و نهی در چنین فرضی، اتمام حجت بر گنه‌کار است و اتمام حجت، نوعی لطف است. گاهی یک بار امر و نهی، اثر ندارد، ولی تکرار آن ثمربخش است و مهم‌ترین ثمره امر و نهی ازسوی حکومت در چنین فرضی، عذر نزد پروردگار است.

– در صورت احتمال ضرر و مفسده در امر به حجاب، حکومت اسلامی باید بنابر رعایت مرجحات باب تزاحم با کارشناسی و مصلحت‌سنجی دقیق در مورد آن اقدام کند.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج‌البلاغه

ابن شعبه حرانی، حسن (۱۴۰۴). **تحف العقول عن آل الرسول**ﷺ. قم: جامعه مدرسین.

ایازی، سیدمحمد (۱۳۸۶). نقد و بررسی ادله فقهی الزام حکومتی حجاب. **نشریه فقه**، شماره۱.

حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰). **تحریر الأحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه**. قم: مؤسسه امام صادق‌علیه‌السلام.

خمینی، روح‌الله (۱۳۹٤). **ولایت فقیه**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی‌رحمه‌الله.

دشتی، محمد (۱۳۷۹). ترجمه نهج‌البلاغه. قم: مشهور.

راهدار، احمد (۱۳۹۲). بررسی الزام حکومتی حجاب. **نشریه حوزه**، شماره۱۶۷.

شهید ثانی (عاملی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳). **مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام**. قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة.

صالحی‌منش، علی (۱۳۹۷). **بررسی ادله فقهی جواز الزام حکومتی در مسئله حجاب**؛ https://rasanews.ir/fa/news/562057/

صدوق، محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه قمی (۱۳۷۸). **عیون اخبار الرضا**. تهران: نشر جهان.

صدوق، محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه قمی (بی‌تا). **علل الشرایع**. قم: داوری.

علی‌اکبریان، حسنعلی (۱۳۸۶). مبانی مسئولیت حکومت اسلامی در ترویج حجاب. **نشریه فقه۱۴**، شماره۵۱ و ۵۲، صص۵۳-۹۵.

فلاح تفتی، فاطمه (۱۳۹۳). مسئولیت حکومت اسلامی در امر حجاب با استناد به ادله امر به معروف و نهی از منکر. نشریه مطالعات راهبردی زنان، شماره۶۴، صص۷۳-۱۱۶.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳٦۲). **الکافی**. تهران: اسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (بی‌تا). **بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار**. تهران: اسلامیه.

مرتضوی، سید ضیاء (۱۳۸۶). درآمدی بر مبانی کلی فقهی حجاب و مسئولیت دولت اسلامی. **نشریه فقه ۱۴**، شماره۵۲-۵۱، صص۱۲-۵۲.

مصطفوی، سید جواد (بی‌تا). **اصول کافی**. تهران: اسلامیه.

منتظری نجف‌آبادی، حسین‌علی (۱۴۰۹). **دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة**. قم: نشر تفکر.

مهدوی‌زادگان، داوود (۱۳۸۶). پژوهشی در الزام حکومتی حجاب. **نشریه مطالعات راهبردی زنان**، شماره۳۶، صص۹-۵۰.

نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.